

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ستایش خداوندی را که پیمودن راه‌های دین را برای ما آسان نمود ، و نشانه‌های آن را آشکار ساخت ، و راه‌های منتهی به یقین را بیان فرمود ، و از این رهگذر نعمت‌های بی‌پایانش را برای ما کامل نمود ، آن‌گاه ما را با اشرف پیامبران و افضل برگزیدگانش گرامی داشت ، و به توسط او ما را از پرتگاه خطرهای رهایی بخشید ، و به وسیله او راه ارتقا به مقامات والا را به ما نشان داد ، سپس ما را با اهل بیت پیامبرش ، گرامی داشت ، که سروران بشر و شافعان روز محشر هستند ، پس دل‌هایمان را با انوار هدایتشان منور ساخت ، و سینه‌هایمان را با اسرار محبتشان گسترش داد . که درودهای بی‌پایان پروردگار برای همیشه بر آنها ، و لعنت‌های خداوندی بر دشمنانشان باد .

### دلیل تألیف

این بنده نیازمند به عفو خداوند بخشایش‌گر : محمد باقر فرزند محمد تقی مجلسی ، که خداوند نامه عملشان را به دست راستشان عطا فرماید ، و حسابشان را به آسانی رسیدگی نماید ، گوید : یکی از کسانی که در جستجوی حق و حقیقت ، به شاهراه سعادت و هدایت راه یافته و خوف از روز رستاخیز در دلش جای گرفته بود ، از من خواست راه نجات را که خداوند مرا به سوی آن هدایت فرموده ، برای او بازگو کنم ، به خصوص در این زمان که راه راست بر مردم مشتبه شده ، راه هدایت بر آنها تاریک گشته ،

۱. علامه مجلسی رحمته این کتاب (اعتقادات) را در اواخر محرم ۱۰۸۶ ق در مشهد مقدس ، در یک شب و به تقاضای یکی از

طلاب و به عربی تألیف نموده است ، متن فوق ترجمه اعتقادات علامه می‌باشد .

شیطان بر سر راه پیروانش نشسته ، آنها را در پرتگاهها قرار داده ، دامهای شیطانی به دست حزب شیطان ، از آدمیان و جنیان ، بر سر راه خدا جویان گسترده ، از چپ و راست راه را بر آنها گرفته ، بدعت و ضلالت در لباس حق و حقیقت در برابرشان آراسته است . لذا بر خود وظیفه دیدم که راه نجات و طریق حق را برای او بیان کنم ، دلایل روشن و براهین استوار را برای او اقامه نمایم ، اگر چه از فرعونهای بدعت گذار و گمراهان ستم پیشه در خوف و هراسم !!!

ای برادران ایمانی ! بدانید که من در مقام نصیحت و خیرخواهی ، آن چه از حق و حقیقت برایم آشکار شده ، چیزی را مخفی نمی کنم ، و از گفتن حق سر باز نمی زنم ، و در راه ابلاغ فرمان حق از سرزنش سرزنش کنندگان باکی ندارم ، اگر چه عده ای را خوشایند نباشد .

### محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

ای برادران ایمانی ! به چپ و راست منحرف نشوید ، بدانید که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را - که درود خداوند بر آنها باد - گرامی داشته ، و آنان را بر همه مخلوقاتش برتری داده ، آنها را معدن رحمت ، کلید معرفت و گنجینه های حکمت خود قرار داده است . هدف اصلی از آفرینش جهان هستی آنهاست ، شفاعت بزرگ و مقام محمود از آن ایشان است .

معنای شفاعت بزرگ این است که آنها واسطه فیض خدا در دو جهان می باشند ، زیرا در میان مخلوقات ، شایستگی این همه فیوضات الهی و نفحات رحمانی را تنها آنها دارند ، و دیگر مخلوقات به طفیل وجود آنها از فیوضات الهی برخوردار می باشند ، و به همین دلیل است که بر همگان واجب است که بر آنها درود بفرستند و در هر حاجتی به آنها

متوسل شوند، زیرا هرگز درود بر آنها رد نمی‌شود، خداوند فیاض علی‌الإطلاق است و آنها شایستگی پذیرش فیض را دارند، و به برکت آنها فیض الهی بر شخص دعا کننده و بر همه جهانیان فرومی‌ریزد. و اینک با یک مثال مطلب را به اذهان نزدیک می‌کنیم:

اگر یک فرد بیابانی به دور از هرگونه آداب و رسوم، که شایسته هیچ تجلیل و احترامی نیست، به دربار پادشاهی راه یابد، اگر پادشاه دستوردهد به افتخار او سفره شاهانه بگسترند، که انواع نعمت‌ها را در آن گرد آورند و همه درباریان به احترامش برخیزند، ارباب خرد این پادشاه را نکوهش کنند و او را به کمی عقل و تیرگی رأی متهم سازند، ولی اگر این سفره را به افتخار یکی از مقربان درگاه، یا وزیران دربار، و یا فرماندهان سپاه بگستراند، و یک فرد بیابانی را هم در کنار سفره جای دهد، کار پسندیده‌ای خواهد بود، حتی اگر هزارن فرد بیابانی نیز وارد شوند و در کنار سفره بنشینند و از نعمت‌های آن متنعم شوند، از کرم پادشاه نیکو شمرده می‌شود، و برعکس اگر آنها را از این خوان نعمت محروم سازد، نکوهیده خواهد بود.

ما نیز چون در نهایت دوری از مقام ربوبی هستیم، و فاصله زیادی از حریم کبریائی داریم، و هیچ پیوندی با ساحت ملکوتی و جبروتی او نداریم، باید واسطه‌هایی در میان باشند که دارای دو جنبه باشند: ۱. جنبه ملکوتی ۲. جنبه بشری.

با جنبه ملکوتی خود با مبدأ اعلی در ارتباط باشند، احکام و معارف الهی را از مقام ربوبی بگیرند، و با جنبه بشری با مردم در ارتباط باشند، تا آنچه را که از مبدأ اعلی گرفته‌اند به آنها القاء کنند. از این جاست که خداوند سفیران و پیامبرانش را ظاهراً از جنس بشر، و باطناً از جنس برتر قرار داده که در حُلُق، خوی، استعداد و شایستگی‌ها کاملاً با دیگران متفاوت هستند، و از سرشت قدسی و ملکوتی آفریده شده‌اند.

و اگر نغمه : اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ<sup>۲</sup> سر می دهند ، برای این است که توده های بشری از آنها وحشت نکنند ، با آنها انس بگیرند ، و ایشان را از جنس خود بپندارند و به سوی آنان جذب شوند ، لذا خداوند می فرماید : وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ<sup>۳</sup> .

و می توان حدیث مشهور در مورد عقل را با همین بیان تفسیر کرد و گفت : منظور از عقل نفس رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد ، مقصود از اَقْبَلُ ، فراخواندن او به سوی کمالات عقلی و معنوی و مقام قرب الهی و رسیدن به اوج کمال بشری ، و منظور از اُدْبِرُ ، گرایش او پس از رسیدن به قلّه کمال و پایین آمدن از آن برای هدایت و ارشاد انسانها می باشد .

و شاید در فرمایش خداوند که می فرماید : قَدْ اُنزَلَ اللهُ اِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُوْلًا<sup>۴</sup> ، منظور از اِنزَال تنزّل دادن پیامبر صلی الله علیه و آله باشد از آن مقام والایی که هیچ پیامبر مرسل و فرشته مقربّی را به آنجا راه نیست ، به سطح معاشرت با مردم ، تا با آنها انس بگیرد و آنها را به شاهراه هدایت رهنمون شود .

در مقام افاضه دیگر فیوضات الهی و کمالات ربّانی نیز آنها واسطه میان خالق متعال و مخلوقات می باشند ، هر فیض و بخششی که از مبدأ فیّاض صادر شود نخست به آنها افاضه می شود ، سپس به دیگر مخلوقات پخش می گردد .

پس هنگامی که به آنها صلوات و سلام می فرستیم ، از خداوند منّان می خواهیم که

<sup>۲</sup> . من نیز همانند شما بشر هستم .

<sup>۳</sup> . اگر قرار بود که پیامبر را از جنس فرشته بفرستیم ، او را به صورت یک مرد قرار می دادیم ، و از جامه های بشری بر تنشان می پوشانیدیم .

<sup>۴</sup> . خداوند یادآوری کننده را که رسول است به سوی شما فرستاد .

رحمت‌های بیکران‌ش را به معادن رحمت بفرستد ، و فیوضات بی‌انتهایش را به معادن فیض سرازیر نماید ، تا از آن‌جا به همه مخلوقات پخش گردد .

### تبعیت از رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ

اینک توجه کنید که خداوند متعال هنگامی که اشرف کائنات را به پیامبری برانگیخت ، فرمود : **ما اتیکم الرسول فخذوه و مانهاکم عنه فاتتهوا**<sup>۵</sup> ، به صریح این آیه پیروی از پیامبر اکرم ﷺ در اصول دین ، فروع دین ، امور معاش و معاد ، و فرا گرفتن احکام و معارف از آن حضرت بر ما واجب است .

و رسول اکرم ﷺ همه علوم ، معارف ، احکام ، آثار ، آیات قرآنی و معجزات ربّانی را در نزد اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ به ودیعت نهاده ، و در حدیث متواتر فرموده است : **إنی تارک فیکم الثقلین ، کتاب الله و عترتی ، اهل بیتی ، لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض**<sup>۶</sup> . از روایات فراوان استفاده می‌شود که علم قرآن نزد اهل بیت پیامبر ﷺ می‌باشد و حدیث متواتر فوق نیز بر آن دلالت دارد . از اهل بیت ﷺ ، در میان ما ، احادیثشان به یادگار مانده است . پس وظیفه ما در این زمان ، فقط تمسک به اخبار اهل بیت ﷺ و تدبّر در آثار آن‌هاست .

ولی اکثر مردم در زمان ما آثار اهل بیت پیامبرشان را پشت سر انداخته ، در افکار و اندیشه خود فرو رفته ، بر آن اصرار می‌ورزند .

### فلسفه و فلاسفه

گروهی راه فلاسفه را پیش گرفته‌اند ، فلاسفه‌ای که خود گمراه شده ، دیگران را گمراه

<sup>۵</sup> . آنچه پیامبر برای شما آورد ، پس آن را بگیرید ، و آنچه شما را از آن نهی فرمود ، از آن دوری نمایید .

<sup>۶</sup> . من در میان شما دو امانت گران‌بها به ودیعت نهادم : قرآن و عترت خود را ، که هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند .

می‌کنند ، به رسالت پیامبری اعتراف نکرده ، به معارف قرآنی ایمان نیاورده‌اند ، بلکه بر عقل‌های ناقص و اندیشه‌های باطل خود اعتماد نموده‌اند ، پس گروهی اینان را به پیشوائی خود برگزیده ، مقتدای خود قرار داده‌اند ، در حالی که این‌ها نصوص صحیح و صریح امامان معصوم را تأویل می‌کنند و می‌گویند : این حرف‌ها با سخنان فلاسفه وفق نمی‌دهد . دلائل آن‌ها نه مفید ظنّ است و نه وهّم . در صورتی که خود می‌دانند افکار فلاسفه چون تار عنکبوت است ، و خود می‌بینند که نظرات فلاسفه با هم مختلف و آراءشان متباین است ، گروهی بر مبنای مشائیان ، و گروهی دیگر بر مبنای رواقیان رفته‌اند ، در حالی که بین این دو گروه سر سازگاری نادر است . و پناه به خدا که حق تعالی مردم را در اصول اعتقادی به خود واگذارد ، که حیران و سرگردان بمانند و همانند چارپایان در وادی گمراهی بچرخند .

به جانم سوگند ، چگونه جرأت کرده‌اند که نصوص صحیح و صریح صادره از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را به دلیل حسن ظنّ به یک فیلسوف کافر یونانی ، تأویل نماید !

### تصوف و عرفان<sup>۷</sup>

و گروهی از اهل زمان ما بدعت‌ها را دین خود قرار داده ، خدا را با این بدعت‌ها می‌پرستند و آن‌را تصوّف نام نهاده‌اند ، این‌ها رهبانیت را عبادت می‌شمارند ، در حالی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن نهی فرموده است ، و به تزویج و معاشرت و حضور در اجتماعات و شرکت در مجالس مؤمنان فرمان داده ، به هدایت مردم ، تعلیم و تعلّم احکام دین ، تشییع جنازه ، عیادت بیماران ، دیدار با مؤمنان ، تلاش در حوائج مردم ، امر به معروف ،

<sup>۷</sup> . استاد مطهری : اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان عرفا و هرگاه با عنوان اجتماعی شان یاد شوند غالباً با عنوان

نهی از منکر ، اقامه حدود و نشر احکام الهی امر نموده است ، در حالی که آن عزلت و رهبانیت که اختراع کرده‌اند با همه این‌ها منافات دارد و مستلزم ترک همه فرائض و سنن الهی است .

آن‌ها به جای عبادات اسلامی یک سلسله عبادت‌های بی‌اساسی را اختراع کرده‌اند ، که یکی از آن‌ها ذکر خفی است که عمل خاصی به شکل خاصی است ، که هیچ دستوری از صاحب شریعت درباره آن نرسیده ، و در هیچ حدیث و روایتی از آن یاد نشده ، و در هیچ کتابی از آن سخنی به میان نیامده است ، چنین عملی به طور یقین بدعت و حرام است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ ، وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ<sup>۱</sup>.

یکی دیگر از عبادت‌های اختراعی آن‌ها ذکر جلی است ، که اشعاری را به سبک غنا می‌خوانند و همانند الاغ فریاد بر می‌آورند ، و خدا را با سوت کشیدن و کف زدن عبادت می‌کنند و گمان می‌کنند عبادتی برای خدا جز ذکر خفی و ذکر جلی که بدعت و اختراع خودشان است ، وجود ندارد ، دیگر سنت‌ها و عبادت‌ها را ترک می‌کنند ، و از نماز واجب به تُک زدن چون نوک زدن کلاغ بسنده می‌کنند ، و اگر از علما نمی‌ترسیدند آن‌را هم از ریشه ترک می‌کردند .

صوفیه ، که لعنت خدا بر آن‌ها باد ، به این بدعت‌ها اکتفا نکرده و انحراف در اصول دین وارد نموده به وحدت وجود قائل هستند ، و معنای معروفی که از آن قصد می‌کنند ، آن‌طور که از بزرگان‌شان در عصر ما شنیده می‌شود ، کفر به خداوند عظیم است .

از دیگر لغزش‌های آن‌ها اعتقاد به جبر ، سقوط تکلیف ، و دیگر عقاید پوچ و فاسدشان

<sup>۱</sup> هر بدعتی گمراهی است ، و هر گمراهی مسیرش به سوی آتش است .

می باشد .

ای برادران ایمانی ، از صوفیه بپرهیزید و دین و ایمانتان را از وسوسه های این شیاطین و از ظاهر سازی و فریبکاری آنان حفظ کنید . مراقب باشید گول نیرنگ ها و ظواهر فریبنده آنها را نخورید ، که این کارهای تصنعی را برای فریب دادن نادانها انجام می دهند . و اینک من آنچه را که در اصول مذهب از اخبار متواتر برای من روشن شده ، به طور خلاصه برای شما بیان می کنم ، تا فریب کاری و نیرنگ بازی صوفیه گمراهتان نکند ، و حجت پروردگار را بر شما تمام کنم ، من آنچه را که از موالیان شما به من رسیده ، به شما می رسانم ، تا هر کس هلاک شود از روی آگاهی هلاک شود ، و هر کس زنده گردد از روی بصیرت و آگاهی زنده گردد . آنچه می خواستم در این جا بیان کنم ، در دو بخش می آورم :

### بخش اول : اصول عقاید

بدانید که خداوند در قرآن کریم راه علم به وجود و صفات خویش را آموخته ، به تدبّر در آفاق و آنفس و آفرینش انسان از خلقت عجیب و غریب و حکمت بدیع ، دستور داده است ، و اگر نیک بیندیشید ، یقین پیدا می کنید بر این که پروردگار دانا ، توانا ، حکیم و غالبی دارید که هرگز ظلم و قبیح از او سر نمی زند .

و یقین پیدا می کنید بر این که خداوند برای هدایت شما پیامبری را فرستاده که با آیات و نشانه های قوی و معجزات روشن ، او را تأیید کرده است . عقل به روشنی می گوید : هرگز خداوند حکیم این آیات و معجزات را به دست شخص دروغگو نمی دهد . بدین طریق به راستگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یقین پیدا می کنی ، و بر شما لازم می شود که متابعتش باشی و معتقد شوی که همه گفته هایش در اصول و فروع دین راست و درست است .



### عقاید در آیات و اخبار

از آن چه با آیات روشن و احادیث متواتر ، در دین ثابت شده ، این است که : خداوند یکتاست ، در اداره جهان هستی شریکی ندارد ، پرستش غیر او جایز نیست ، در آفرینش جهان وزیر و مشاورى نداشت ، ذات او احدی است ، برای او اجزای خارجی ، وهمی و عقلی ، تصوّر نمی شود . و صفات او احدی است ، وصفی خارج از ذات ندارد ، صفات او عین ذات اوست .

او ازلی است ، یعنی برای وجودش نقطه آغازی نیست ، او ابدی است ، فناپذیر نیست . نه در گذشته عدم و نیستی بر او راه داشته ، و نه در آینده ممکن است بر او راه یابد . او جسم نیست و خواصّ جسم را هم ندارد ، زمان و مکان را بر او راه نیست . او زنده جاوید است و حیات او ، جدای از ذاتش نیست و کیفیت و چگونگی ندارد . و اراده دارد ، ولی اراده او از طریق خطور دادن به دل و اندیشیدن و تأمل نیست . افعال او از روی اختیار است و در افعالش مجبور نیست ، و بر هر چیزی تواناست . اگر خداوند بخواهد هزاران دنیا نظیر این جهان بیافریند ، آنرا انجام می دهد ، بدون این که به مواد و یا زمان نیاز داشته باشد ، برخلاف گمان فلاسفه ، که خیال می کنند خلقت اجسام نیاز به ماده قدیمی و استعداد دارد .

### علم حق تعالی

خداوند به هر چیزی ، جزئیات و کلیات آن ، داناست ، و بر آن چه در گذشته وجود داشته ، و آن چه در آینده وجود پیدا می کند ، بر یک منوال آگاه است و پس از تحقق یافتن آن چیز ، در علم او تغییر و دگرگونی پدید نمی آید . به مقدار ذره ، در آسمان و زمین ، از علم او مخفی نمی ماند ، بر خلاف گفتار فلاسفه ، که خیال می کنند علم پروردگار بر

جزئیات تعلق نمی‌یابد ، و این اعتقاد کفر است .

### تفکر در ذات و صفات

لزومی ندارد بلکه جایز نیست که در کیفیت علم خداوند بیندیشیم که آیا علم او حضوری است یا حصولی ؟ همچنین در مورد دیگر صفات او ، بیش از آنچه در آیات و احادیث برای ما بیان شده است . زیرا تفکر در صفات ، به تفکر در ذات بر می‌گردد ، و ما در احادیث فراوانی از آن نهی شده‌ایم<sup>۹</sup>.

### افعال و دستورات الهی

خداوند هیچ کاری را جز از روی حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد . او هرگز به کسی ظلم نمی‌کند ، و هرگز به کسی بیش از توان و قدرتش تکلیف مقرر نمی‌کند . و آنچه خداوند بندگان را به آن تکلیف کرده برای مصالح و منافع آنهاست . و بندگان در انجام تکلیف و ترک آن مختارند .

### جبر و اختیار

نه جبر است و نه تفویض ، بلکه امر بین‌الامرین است : اگر کسی بگوید : بندگان در افعال خود مجبورند ، مستلزم ظلم برای خداوند است ، و می‌دانیم که نسبت دادن ظلم به خداوند قبیح و محال ، و اعتقاد به آن کفر است . و اگر کسی بگوید : خداوند هیچ مداخله‌ای در اعمال بندگان ندارد آن هم کفر است . بلکه خداوند در مواردی از طریق ارشاد و هدایت و توفیق دادن ، و در مواردی با سلب توفیق نمودن ، مداخله می‌کند . و این سلب توفیق را در اصطلاح شرع ، اضلال می‌گویند . ولی هرگز با توفیق دادن ، بنده‌ای مجبور به اطاعت نمی‌شود ، و با سلب توفیق ، کسی مجبور به معصیت نمی‌شود .

<sup>۹</sup> . در زمینه تفکر در ذات و صفات الهی می‌توانید به نشریه پیام دین با عنوان خداشناسی مراجعه فرمایید .

مثلاً اگر مولایی بنده‌اش را به انجام کاری مکلف کند و برای ترک آن عقوبتی تعیین نماید ، و تهدید به عقوبت را به او بفهماند ، اگر چنین بنده‌ای باز نافرمانی کند ، عقلاً عقاب کردن او را قبیح نمی‌شمارند ، و اگر مولا گاه و بیگاه او را تشویق کند ، و سزای نافرمانی را به او گوشزد نماید ، اما نه در حدّی که او مجبور شود ، بلکه در حدّ تشویق ، اگر در این صورت بنده آن کار را انجام دهد ، عقلاً او را مجبور نمی‌شمارند . این مقدار مداخله پروردگار در افعال عباد ، در اخبار و احادیث آمده است .

### قضا و قدر

نباید در قضا و قدر فرو روی و در شبهات آن تفکّر کنی ، که پیشوایان دین ما را از تفکّر در این مسائل نهی کرده‌اند ، زیرا که در این مسائل شبهات بزرگی هست که عقل بیشتر مردم از حلّ آنها ناتوان است ، حتی بسیاری از دانشمندان در آنها فرومانده ، به گمراهی افتاده‌اند . و لذا هرگز در این امور تفکّر و تدبّر نکنید ، که تنها فایده‌اش برایت گمراهی است و فقط جهل تو را افزایش می‌دهد .

### پیامبران الهی

آن گاه ایمان به حقایق همه پیامبران و عصمت و طهارت آنان تا اندازه‌ای واجب است ، و انکار نبوتشان ، و سبّ آنها ، و استهزاء به آنها ، و گفتن هر چیزی که لطمه به مقام شامخ آنها بزند ، کفر است .

برخی از آنان مشهورند مانند : آدم ، نوح ، موسی ، عیسی ، داود ، سلیمان ، و انبیاء دیگری که خداوند متعال در قرآن کریم از آنها نام برده است ، واجب است به اینها بالخصوص معتقد بود ، و به کتاب‌هایشان اعتقاد داشت ، که هر کس منکر به یکی از اینها باشد ، همه شان را انکار کرده ، و به آنچه خداوند نازل فرموده کفر ورزیده است .

## قرآن کریم<sup>۱۰</sup>

ایمان به حَقَّانیت قرآن ، و حقایق و معارف مندرج در آن ، و این که از طرف پروردگار نازل شده ، و به صورت معجزه است ، واجب است . انکار قرآن ، سبک شمردن آن و انجام دادن چیزی که موجب کم احترامی به آن باشد ، مانند سوزانیدن و انداختن آن در میان پلیدی‌ها کفر است ، و اما کاری که موجب استخفاف نباشد ، مانند دراز کردن پا به سوی قرآن ، مانعی ندارد ، ولی اگر به قصد اهانت و استخفاف باشد موجب کفر می‌شود .

## کعبه و کتب حدیث

رعایت احترام کعبه معظمه واجب ، و بی‌احترامی به آن کفر است ، و انجام کاری که موجب بی‌احترامی باشد ، مانند پلید کردن آن به عمد ، و یا گفتن سخنان توهین آمیز ، کفر است . همچنین است احترام کتب حدیث ، که در آن‌ها احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام گرد آمده ، که با اهانت به آن‌ها از دین شیعه امامیه خارج می‌شود .

## فرشتگان الهی

واجب است اعتقاد به وجود فرشتگان ، و بودن همه یا برخی از آن‌ها از اجسام لطیفه ، و این که برخی از آن‌ها بال دارند ، و آن‌ها بالا می‌روند و پائین می‌آیند . اگر کسی یکی از مشاهیر آن‌ها - چون جبرئیل ، عزرائیل ، میکائیل . اسرافیل - را انکار کند ، کافر می‌شود ، و اگر جسم بودن آن‌ها را انکار نماید کافر می‌شود . اعتقاد به عصمت و طهارت فرشتگان واجب است ، و احترام آن‌ها لازم است ، سبّ کردن و استخفاف نمودن ، و گفتن هر چیزی که با مقام شامخ آن‌ها سازگار نباشد کفر آور است .

<sup>۱۰</sup> . در این زمینه می‌توانید به نشریه پیام دین با عنوان احکام قرآن مراجعه بفرمایید .

### بت پرستی و اعتقادات باطل

پرستش بت ، و سجده به غیر خدا - هر کس یا هر چیز - اگر به قصد پرستش باشد کفر است .

اعتقاد به حلول خدا در غیر ، چنان که صوفیه و غلات معتقدند ، کفر است .

اعتقاد به اتحاد خدا با غیر ، چنان که برخی از غلات و صوفیه به آن عقیده دارند کفر است . اعتقاد به این که خدا همسر ، فرزند ، و یا شریکی دارد ، چنان که مسیحیان معتقدند ، کفر است .

و اعتقاد به جسم بودن خدا ، و یا عرش و غیر عرش را مکان خدا دانستن ، و اعتقاد به این که خداوند صورتی دارد ، اجزاء و یا اعضائی دارد ، تمام این اعتقادات کفر است .

### رؤیت ، تعمق در کنه ، تعطیل

بدان که رؤیت و دیدن خداوند در دنیا و آخرت غیر ممکن است ، و هر چه در این رابطه برسد<sup>۱۱</sup> باید تأویل کرد . هرگز کسی نمی تواند به کنه ذات و کنه صفات خداوند برسد . و تعطیل و نفی صفات از خداوند باطل است ، چنان که قائلین به اشتراک لفظی دچار چنین اشتباه شده اند ، بلکه لازم است که این صفات را بر خداوند اثبات کرد ، ولی به گونه ای که مستلزم هیچ نقصانی نباشد .

مثلاً می گویی : خداوند عالم است ، ولی علم خداوند چون علم مخلوق نیست که حادث باشد و از بین رفتن آن ممکن باشد ، علم در خداوند نیاز به صورت و آلت ندارد ، و علم خداوند معلول علت نیست . در این صورت صفت علم را بر خداوند اثبات کردی ، و متشابه آن را که ویژه ما مخلوقات و موجب نقصان است ، از او نفی نمودی ، و حقیقت صفت علم پروردگار را نمی فهمی .

<sup>۱۱</sup> . مانند آیات و روایات متشابه

همچنین می‌گویی: خداوند بر هر چیز ممکن قادر است. قدرت در ما به وسیله صفتی است حادث و زائد بر ذات ما، که نیازمند ابزار و ادوات است. ولی در مورد خداوند همه این‌ها را نفی کرده می‌گویی: خداوند قادر است به ذات خود، بدون صفتی زائد، و بدون کیفیتی حادث، و بدون ابزار و ادوات. پس صرف ذات او برای ایجاد هر چیزی کافی است.

همچنین می‌گویی: خداوند مرید است، اراده در انسان نیازمند اموری است:

- |                                     |                                 |
|-------------------------------------|---------------------------------|
| ۱. تصوّر فعل متعلّق اراده           | ۵. تبدّل تردید به عزم           |
| ۲. تصوّر منفعت آن                   | ۶. پدید آمدن شوق در نفس         |
| ۳. تصدیق به امکان حاصل شدن آن       | ۷. تحریک عضلات و حرکت به سوی آن |
| ۴. ترتّب اراده بر آن همراه با تردید | ۸. صدور فعل از انسان            |

اما اراده خداوند نیست مگر از روی علم قدیم و ذاتی او به هر چیزی، و به مصالح آن، سپس ایجاد آن در زمانی که مصلحت ایجاد می‌کند. پس اراده خداوند ایجاد اوست، چنان‌که در اخبار آمده<sup>۱۲</sup>، نه علم به اصلح بودن، چنان‌که علمای کلام گفته‌اند.

همچنین می‌گویی: خداوند شنوا و بینا است، بینایی و شنوایی که در ما کمال به شمار می‌آید، علم به شنیدنی‌ها و علم به دیدنی‌ها است، اما این‌که بینایی به وسیله چشم و شنوایی به وسیله گوش باشد، این به سبب ناتوانی ماست، که به این آلات و ابزار محتاج هستیم، پس بینایی و شنوایی در خداوند همان علم به دیدنی‌ها و علم به شنیدنی‌ها است، آن هم علمی ازلی و ابدی، با ذات بسیط خود، بدون حدوث صورت آلتی، و بدون نیاز به ابزار و ادوات و لزوم وجود آن شیء، که همه این‌ها نقص است.

همچنین می‌گویی: خداوند حیّ است، حیات در ما صفتی زائد بر ذات ماست، که مقتضی حسّ و حرکت است، ولی حیات در خداوند به گونه‌ای است که مستلزم نقص

<sup>۱۲</sup>. ارادته فعله

نیست و عین ذات اوست ، زیرا همه افعال از او صادر می شود و بر هر چیزی عالم است . پس ذات او قائم مقام صفات ، ابزار و ادوات ماست ، پس آنچه در حی بودن کمال به شمار می آید ، مُدرک و فعّال بودن است ، که برای او ثابت است ، و اما آنچه نقص است مانند نیاز به ابزار و ادوات و کیفیات داشتن ، از او منتفی است .

همچنین می گویی : خداوند متکلم است ، تکلم در ما به وسیله ابزار و ادوات است ، ولی کلام خداوند همان ایجاد صوت و روح است در هر چیزی که بخواهد ، و القای آن است در روح فرشته و یا پیامبر و یا غیر آنها . پس کلام با ذات خدا قائم نیست و احتیاج به ابزار هم ندارد ، بلکه کلام حادث است و از صفات فعل خداست ، نه از صفات ذات . آنچه از کمال ذات است قدرت خداوند به ایجاد کلام ، و علم خداوند به مدلول آن است ، که این هر دو قدیم و از صفات ذات پروردگار است و هرگز زائد بر ذات نمی باشد .

و این نکته در بقیه صفات او نیز جاری است ، در نتیجه صفت کمال را از خدا سلب نکن ، و آنچه موجب نقص و عجز است را به او نسبت مده .  
و بدان که او صادق است و کذب بر او محال است .

### حدوث عالم

و بدان که عالم یعنی آنچه غیر خداست حادث می باشد ، و جز خدا هر چیزی نقطه آغاز دارد و ابتدای هر چیزی در ازل به نقطه ای می رسد که نقطه شروع آن است و قبل از آن وجود نداشته است . و تأویل منحرفین کافر از حدوث ، به حدوث ذاتی باطل است . همه پیروان توحید بر این قول متفقند ، و روایات در این رابطه فراوان و متواتر است .

و اعتقاد به قدم عالم ، و عقول قدیمه ، و هیولای قدیم ، که فلاسفه به آن معتقدند ، کفر است .

## انکار ضروری دین

ضروریات دین چیزهایی است که بودن آنها از دین برای همگان روشن ، و بر همه مسلمانان معلوم است ، مگر افراد انگشت شمار . بدان که منکر ضروریات دین کافر و مستحق قتل است .

ضروری دین بسیار است ، مانند : وجوب نمازهای پنج گانه ، تعداد رکعات نماز ، اوقات نماز فی الجمله ، اشمال نمازها بر رکوع ، سجده ، تکبیرة الإحرام ، قیام ، قرائت ، مشروط بودن نماز به طهارت ، وجوب غسل جنابت ، حیض و نفاس ، و به یک احتمال بطلان وضو به وسیله بول ، غائط ، باد روده و معده . وجوب غسل میّت ، نماز میّت و دفن میّت ، وجوب زکات و روزه ماه رمضان ، بطلان روزه با خوردن ، نوشیدن و آمیزش زنان . وجوب حج و مشتمل بودن آن بر إحرام ، طواف ، سعی بین صفا و مروه ، وقوف در عرفات و مشعر ، ذبح ، حلق ، رمی فی الجمله ، واجب یا مستحب به یک احتمال . وجوب جهاد فی الجمله ، و استحباب نماز با جماعت ، تصدّق بر فقراء ، فضل علم و عالم ، فضیلت راستگویی سودمند ، مردود بودن دروغ غیرمصلحتی ، حرمت زنا ، لواط ، شرابخواری [ به استثناء نبیذ غیر مسکر ، که حرمت آن اجماعی نیست ] ، حرمت گوشت سگ ، خوک ، خون ، مردار . حرمت ازدواج با مادر، خواهر، دختر، برادرزاده ، خواهرزاده ، عمّه ، خاله ، مادرزن و خواهرزن [ به صورت جمع بین دو خواهر ] ، به یک احتمال حرمت ربا فی الجمله ، حرمت ظلم و خوردن اموال دیگران به ناحق ، حرمت قتل در غیر مورد قصاص ، مردود بودن فحش و تهمت ، برتری سلام و جواب سلام ، رجحان نیکی به پدر و مادر ، مردود بودن عقوق والدین ، و به یک احتمال رجحان صلّه ارحام ، و غیر اینها از احکام و معارفی که در میان مسلمانان شهرت دارد و کسی در آن تردید نمی کند ، مگر افراد نادر .



### انکار ضروری مذهب

و اما منکر ضروریات مذهب شیعه دوازده امامی در زمره مخالفین قرار می گیرد و از دایره شیعیان ائمه طاهرین علیهم السلام خارج می گردد. ضروریات مذهب مانند اعتقاد به : امامت دوازده امام ، فضل و علم ایشان ، وجوب اطاعت از آنان و فضل زیارتشان .

و اما مودت ، و لزوم تعظیم آنان ، فی الجمله ، از ضروریات اسلام است ، و منکر آن کافر است ، مانند نواصب و خوارج .

و از ضروریات امامیه است : حلیت متعه ، حج تمتع ، بیزاری از کسانی که به امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام ظلم کرده و با آن بزرگواران سر جنگ داشتند ، و بیزاری از همه قاتلان امام حسین علیه السلام ، و گفتن حیّ علی خیرالعمل در اذان .

### عصمت پیامبران و امامان و فرشتگان علیهم السلام

و باید معتقد باشی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام معصوم هستند ، و عصمت آنها از اوّل تا پایان عمر ، از گناهان صغیره و کبیره است ، و همچنین دیگر پیامبران و فرشتگان .

### عقاید پیرامون امامت

و باید معتقد باشی که خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام اشرف مخلوقاتند و از همه پیامبران و فرشتگان برتر هستند ، علوم همه انبیاء الهی نزد آنهاست . علم آنچه در گذشته واقع شده و آنچه تا روز قیامت واقع می شود ، را می دانند . آثار همه پیامبران و کتابهای آنان ، چون : تورات ، انجیل ، زبور ، صحیفه های آدم ، ابراهیم و شیث ، عصای موسی ، انگشتری سلیمان ، پیراهن ابراهیم ، تابوت ، الواح و غیر آنها ، نزد آنهاست . هر یک از آنان که جهاد کرده ، به فرمان خدا بوده و هر کدام از جهاد دوری نموده ، به

فرمان خدا بوده ، سکوت و حرکت آنان ، و بالأخره همه رفتار ، کردار و گفتار آنان به فرمان خدا بوده است .

آنچه رسول خدا ﷺ می دانست به حضرت علی علیه السلام آموخته است ، و هر امامی هنگامی که به امامت رسیده بر همه معلومات امام پیشین واقف بوده است .

آنها هرگز به رأی و اجتهاد سخن نگفته ، بلکه همه احکام را از خداوند متعال آموخته اند ، و هرگز به چیزی جاهل نبوده اند که آن را بپرسند ، آنها همه ی زبان ها را می دانستند و بر همه لهجه ها وقوف داشتند ، از ایمان و کفر هر کسی آگاه بودند ، و هر روز اعمال مردم از صالحان و فاجران به ایشان عرضه می شد .

هرگز خیال نکن که امامان به فرمان خداوند این جهان را آفریده اند ، که در اخبار صحیحه به شدت از این اعتقاد نهی شده ایم ، و آنچه بُرسی و امثال او در این رابطه نقل کرده اند ، روایات ضعیفی است که نمی توان به آن اعتماد کرد .  
سهو و نسیان بر ائمه جایز نیست ، و آنچه در این رابطه آمده ، حمل بر تقیّه شده است .

### معراج جسمانی

اقرار به معراج جسمانی بر تو واجب است ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله با بدن شریف خود عروج نمود و از آسمان ها عبور کرد . در این زمینه به شبهات فلاسفه گوش نکن که می گویند :  
اگر معراج جسمانی باشد در افلاک ، خرق و التیام لازم می آید ، که این حرف ها پوچ است ، و معراج از ضروریات دین بوده ، انکارش کفر آور است .

باید در برابر آنچه از اخبار و احادیث ، از این خاندان رسیده ، تسلیم محض شوی ، اگر مضامین آنها را خوب درک کردی به طور تفصیل بر آن ایمان بیاور ، و اگر با عقل ناقص خود پی به آن نبردی اجمالاً ایمان بیاور ، و فهم حقیقت آن را به امام برگردان .

هرگز چیزی از اخبار و احادیث را به بهانه این که با عقل ناقص خود آن‌ها را نمی‌فهمی انکار نکن ، که ممکن است روایت صحیح باشد و نقص از طرف تو باشد ، که در این صورت خداوند را بر فراز عرش تکذیب کرده‌ای ، چنان‌که امام صادق علیه السلام تعبیر فرموده است . بدان‌که علوم آن‌ها بسیار شگفت و احوالشان شگرف است ، عقل ناقص ما نمی‌تواند بر عمق گفتار ، و کنه رفتارشان پی ببرد . لذا ما نمی‌توانیم چیزی را که از آن‌ها به ما رسیده است انکار کنیم .

### محتضر و انوار مقدسه علیه السلام

بدان‌که باید اعتراف کنیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به هنگام مرگ در بالین نیکان ، بدکاران ، مؤمنان و کافران ، حاضر می‌شوند ، در حق مؤمنان شفاعت می‌کنند و موجب آسانی سکرات مرگ می‌شوند ، و در حق منافقان و دشمنان اهل بیت موجب تشدید می‌گردند . و در روایات آمده است که آنچه آب از دیده مؤمن به هنگام مرگ بیرون می‌آید اشک شوق است ، که از شدت شادی و سرور مؤمن از دیدار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام ، از دیدگانش سرازیر می‌شود . اعتقاد اجمالی بر حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام کافی است و لازم نیست که در مورد کیفیت حضور آن‌ها تأمل کنی ، که آیا با پیکرهای اصلی خود حاضر می‌شوند ، یا در مثال‌های قالبی ، و یا غیر آن .

نباید این حضور را تأویل کرد و گفت : تمثال آن‌ها در ذهن انسان منعکس می‌شود ، و یا علم به حقانیت آن‌ها حاصل می‌گردد ، که چنین تأویلی برخلاف چیزی است که در دین ثابت شده ، و پامال کردن عقاید مؤمنین است .

### روح بعد از مرگ

باید معتقد بود که روح پس از مفارقت از بدن باقی است و در پیکر دیگری شبیه این

پیکر داخل می‌شود ، همراه جنازه‌اش حرکت می‌کند ، از تشییع کنندگان آگاه می‌شود ، اگر اهل ایمان باشد ، آن‌ها را سوگند می‌دهد که شتاب کنند ، تا به درجات بلند و نعمت‌های بزرگی که خداوند از برای او مهیا فرموده است ، زودتر برسد ، و اگر اهل نفاق باشد آن‌ها را سوگند می‌دهد که عجله نکنند ، زیرا از عقاب‌هایی که در انتظار اوست شدیداً هراسان است .

روح ، با غسل دهنده ، و گرداننده جسد و شرکت کنندگان در تشییع جنازه همراه است تا هنگامی که پیکر دفن شده و تشییع کنندگان بازگردند ، روح در پیکر اصلی خودش وارد می‌شود تا پاسخگوی مأموران الهی باشد .

اگر میت اهل عذاب باشد ، نکیر و منکر در قیافه بسیار وحشتناکی به سراغش می‌آیند ، و اگر اهل خیر باشد بشیر و مبشر در سیمای بسیار زیبایی به سویش می‌آیند ، تا از عقایدش بپرسند و از امامانی که معتقد است یکی پس از دیگری سؤال کنند ، اگر در پاسخ یکی از آن‌ها فرو بماند ، گریزی آهین بر پیکرش می‌کوبند که قبرش تا روز رستاخیز پر از آتش شود . و اگر همه را پاسخ بگوید ، او را با کرامت‌های پروردگار بشارت می‌دهند ، و به او می‌گویند : همانند عروسی که شاداب و کامیاب می‌خواهد بخواب . هرگز این دو ملک ، و پرسش‌های آن‌ها را تأویل نکن ، که پرسش نکیر و منکر از ضروریات دین است .

### عقاید پیرامون فرشتگان

مبادا در مورد فرشتگان به سخنان پوچ منحرفین کافر گوش دهی ، که فرشتگان را به عقول و صور فلکی تأویل کرده‌اند ، زیرا آیات فراوان قرآن و احادیث متواتر معصومین علیهم‌السلام دلالت دارد بر این که آن‌ها اجسام لطیفی هستند و قدرت شکل‌پذیری به اشکال مختلف

را دارند . پیامبر ﷺ و ائمه فرشتگان را می‌دیدند ، برخی دو بال ، برخی سه بال ، و برخی چهار بال داشتند ، و آنها بیشترین و والاترین مخلوقات خداوند متعال هستند . از هر یک از معصومین روایات زیادی در مورد کیفیت فرشتگان ، عظمت ، نقش ، و احوال آنها رسیده است .

همچنین باید معتقد باشی که آسمان‌ها روی یکدیگر به صورت متصل قرار نگرفته ، بلکه فاصله بین هر یک از آسمان‌ها تا آسمان دیگر ۵۰۰ سال راه است ، و میان آسمان‌ها پر از فرشتگان می‌باشد . و در روایات آمده است که جای پای در آسمان‌ها نیست ، جز این که در آنجا فرشته‌ای به تسبیح و تقدیس پروردگار مشغول است .

اعتقاد به معصوم بودن فرشتگان واجب است ، و گوش نده به آنچه در میان عوام مشهور شده ، و در کتب تاریخ و تفسیر اهل سنت ، در پیرامون هاروت و ماروت و نسبت‌های ناروا به پیامبران آمده است ، که همه آنها از تاریخ یهود اخذ شده ، و پاسخ‌های آنها در احادیث شیعه گفته شده است ، که تفصیل آنها در این مختصر نگنجد .

### فشار قبر و عالم برزخ

بدان که باید معتقد باشی که فشار قبر حق است ، و اما این که فشار قبر عمومی است ، و یا اختصاص دارد به غیر مؤمنین کامل الایمان ؟ از اخبار فراوانی استفاده می‌شود که مؤمنین کامل عیار از فشار قبر مصون هستند .

و باید معتقد باشی که فشار قبر بر پیکر اصلی است نه پیکر مثالی برزخی .

و باید معتقد باشی که ارواح پس از پاسخ به پرسش‌های نکیر و منکر ، و تحمل فشار قبر ، به جسدهای مثالی برزخی وارد می‌شوند ، و پس از آن ممکن است گروهی که مؤمنند بر فراز قبرهای خود باشند ، از دیدار کنندگان آگاه شوند ، با آنها انس بگیرند ، و از

دیدارشان سود ببرند ، و یا به وادی السلام در نجف اشرف منتقل شوند ، و یا به بهشت دنیوی انتقال یابند ، و در آنجا متنعم شوند ، از میوه‌های آنجا بخورند و از چشمه‌های آن بنوشند ، چنان‌که خداوند متعال در حق شهیدان فرموده است : **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا ، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ ، فَرحین بما ءاتاهم الله من فضله<sup>۱۳</sup> .**

و اما کافران معاند ، به آتش برده می‌شوند ، و تا روز قیامت در آتش معذب می‌شوند . ولی در مورد کافر مستضعف ، از روایات استفاده می‌شود که به آنها تا روز قیامت مهلت داده می‌شود ، و آنها تا روز قیامت نه نعمتی به آنها می‌رسد و نه عذابی .

### بَهشت و جهنم

باید معتقد باشی که برای خداوند در این جهان بهشت و جهنمی است ، غیر از بهشت و جهنم جاویدان قیامت . بلکه از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود : بهشت آدم همان بهشت دنیا بوده است ، نه بهشت جاویدان قیامت . در مورد بهشت و جهنم ، باید به آنچه که از صاحب شریعت به طور یقین رسیده است معتقد بود . و تأویل کردن بهشت و جهنم به حق و باطل ، و یا اخلاق زشت و زیبا ، کفر و الحاد است . بلکه باید اعتراف کرد که بهشت و جهنم الآن وجود دارد ، نه این‌که در آینده آفریده خواهند شد ، از امام رضا علیه السلام روایت شده که منکر آن<sup>۱۴</sup> منکر آیات و معراج پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد ، و چنین شخصی کافر است .

### رجعت

اعتقاد به رجعت ، واجب است ، و آن از اعتقادات ویژه شیعیان است ، که ثبوت آن از

<sup>۱۳</sup> . آنان را که در راه خدا کشته شدند ، مرده میندار ، که آنها زندگاند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند ، و به آنچه

خداوند از فضل خود به آنها عنایت فرموده مسرورند .

<sup>۱۴</sup> . منکر وجود کنونی بهشت و جهنم .

امامان علیهم السلام در میان شیعه و سنی مشهور است . از ائمه علیهم السلام روایت شده که فرموده‌اند : هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد از ما نیست<sup>۱۵</sup> .

از اخبار و احادیث استفاده می‌شود که خداوند به هنگام ظهور قائم علیه السلام ، و یا کمی پیش از ظهور آن حضرت ، گروهی از مؤمنان را زنده می‌کند ، که دیدگانشان با دیدار امامانشان در زمان حکومتشان منور گردد . و گروهی از کافران و معاندان را نیز زنده می‌کند ، تا پیش از آخرت در دنیا از آنها انتقام گرفته شود . و اما مستضعفان تا روز رستاخیز بزرگ به دنیا باز نمی‌گردند .

اما در مورد رجعت امامان علیهم السلام ، پس روایات بی‌شماری دلالت می‌کند بر رجعت امیرمؤمنان علیه السلام ، و روایات فراوانی بر رجعت امام حسین علیه السلام ، و برخی از روایات بر رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و رجعت همه امامان علیهم السلام .

و اما این که رجعت آنان در زمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌باشد ، یا پیش از ظهور آن حضرت ، و یا پس از درگذشت آن حضرت ، روایات مختلف است ، پس لازم است که به رجعت امامان و گروهی از مردمان به طور اجمال معتقد بود ، و علم تفصیلی آنرا به خودشان موکول کرد . روایات وارده در پیرامون رجعت را در بحارالانوار نقل کرده‌ام و کتاب مستقلی در این رابطه تألیف نموده‌ام .

### محشر و معاد جسمانی

باید معتقد شوی که خداوند مردم را روز قیامت زنده می‌کند و ارواحشان را به پیکرهای اصلی<sup>۱۶</sup> خودشان برمی‌گرداند ، انکار آن کفر است ، و تاویل آن به یک معنایی که برخلاف

<sup>۱۵</sup> . كَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكِرَّتِنَا .

<sup>۱۶</sup> . پیکر اصلی یعنی همین جسم مادی دنیوی ، نه پیکر برزخی و یا جسم مثالی .

ظاهر آن و در حدّ انکار آن است ، آن چنان که در زمان ما از برخی منحرفین کافر شنیده می شود ، به اجماع ، کفر و إلحاد است . و بیشتر آیات قرآن در اثبات معاد جسمانی و کفر منکران آن آمده است . به سخنان فلاسفه گوش مده که وسوسه می کنند و می گویند : اعاده معدوم محال است ، و آیات و احادیث را به معاد روحانی تأویل می کنند .

### حساب و نامه اعمال

باید به حقانیت حساب و کتاب ، و داده شدن اعمال به دست راست و چپ معتقد بود ، و اعتقاد داشت که خداوند دو فرشته را برای هر انسانی موکل نموده ، که یکی در طرف راست ، و دیگری در طرف چپ او مستقر هستند ، آن که در طرف راست است کارهای خوب او را می نویسد ، و آن که در طرف چپ اوست ، گناهانش را می نویسد . هر روز دو فرشته ، اعمال او را می نویسند ، چون روز به پایان رسید آن دو ملک بالا می روند و اعمال او را با خود می برند ، دو ملک دیگر پایین می آیند و اعمال شبانه اش را می نویسند . این دو ملک را به شبها و سخنان باطل که در این زمان می شنویم تأویل نکن که کفر است .

### شفاعت ، وعد و وعید ، خلود

واجب است به شفاعت پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام معتقد بود که خداوند هر چه وعده پاداش نیکو داده ، حتماً به آنها عمل می کند و خلف وعده نمی کند ، ولی در مورد وعده های تهدید آمیزش تخلف ممکن است ، یعنی امکان آمرزش مؤمن گنهکار هست ، اگر چه توبه نکرده باشد . خداوند طبق وعده ای که فرموده است ، توبه را می پذیرد ، ولی کفار و معاندان ، در آتش ، جاویدان هستند ، و مستضعفان به اراده الهی و فرمان حضرت حق چشم دوخته اند ، و از رحمت الهی دور نیست که آنها را تفضلاً مورد بخشش قرار دهد



و نجات پیدا کنند . مستضعف به کسانی گفته می شود که عقل درست و حسابی ندارند و در حدّ زنان<sup>۱۷</sup> و کودکان مسائل را تحلیل می کنند . و همچنین مستضعف به کسانی گفته می شود که حجّت بر ایشان تمام نشده باشد .

مؤمنان حتماً وارد بهشت می شوند و در بهشت جاویدان هستند ، ولی ممکن است در عالم برزخ و یا مدّتی در جهنم معذب باشند ، سپس به بهشت راه یابند . بدان که شفاعت اختصاص به مؤمنان دارد ، و شامل حال غیر مؤمن نمی شود .

### حبط و تکفیر

بدان که حبط اعمال و تکفیر اعمال<sup>۱۸</sup> ، فی الجمله در نزد اینجانب ثابت است ، آیات و اخبار دالّ بر این معنی بسیار زیاد است ، و دلائلی که بر نفی آن اقامه می کنند ضعیف است ، چنان که بر شخص اندیشمند پوشیده نیست .

### صراط ، میزان ، احوال قیامت

باید به همه آنچه در محتوای شرع وارد شده ، از صراط و میزان و دیگر احوال قیامت و احوال آن معتقد بود ، و نباید چیزی از این واژه ها را تأویل کرد ، مگر آنچه از صاحب شریعت رسیده باشد . زیرا نخستین گام به سوی کفر و إلحاد ، تصرف در نصوص شرع با عقل های ضعیف و هواهای نفسانی پست خویش می باشد .

خداوند ما و دیگر مؤمنان را از سقوط در وادی تأویل و پرتگاه های شبیه آن محفوظ بدارد . و سلام بر رهروان راه هدایت باد .

<sup>۱۷</sup> . این مثال قابل مناقشه است .

<sup>۱۸</sup> . یکی از معانی حبط این است که گناهان موجب شوند که اعمال خیر انسان از اعتبار ساقط شود ، و از معانی تکفیر این است که اعمال خیر گناهان را جبران کند و کفّاره گناهان قرار بگیرد .

## بخش دوم: رهنمودهای عملی

ای دوست من ، در بخش نخستین آگاه شدی که باید از اهل بیت عصمت علیهم السلام در رفتار و گفتار پیروی نمود ، و در اخبار و احادیثشان تدبّر نمود . بدان که همه انواع خیر را در اخبار آن‌ها یافتیم ، زیرا هیچ حکمتی از حکمت‌های الهی نیست ، جز این که در این اخبار با شرح و تفصیل آمده است ، البته برای کسانی که با قلب سلیم و عقل مستقیم از آن‌ها پیروی کنند ، و با پیمودن راه‌های ضلالت و کوردلی ، عقل خود را از کار نیندازند ، و به اندیشه‌های مختلف اهل هلاکت و لغزش ، خود را منحرف نکنند .

راه‌های وصول به سعادت و رسیدن به رستگاری به روشنی در این احادیث بیان شده ، اما برای کسی که پرده‌های هوای نفس را از برابر دیدگانش کنار بزند ، و با نیت درست به پروردگار متعال توسّل جوید . زیرا خداوند متعال فرموده است : **وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا**<sup>۱۹</sup> . و محال است که خداوند به وعده‌ی خود عمل نکند ، اگر انسان از راه‌هایی وارد شود که خداوند فرمان داده که از آن‌ها درآید .

### نیت و تفکر

پس کسی که می‌خواهد راه خدا را بییماید قبل از هر چیز باید به درست کردن نیت خود پردازد . زیرا محور پذیرش اعمال و تکامل اعمال ، بر اساس مراتب نیت است . و این ، جز با توسّل کامل به پروردگار ، و پناهنده شدن به درگاه ربوبی از شرّ شیطان و غلبه هوی و هوس امکان پذیر نیست . آن‌گاه باید در ارزش و اهمیت این موضوع بیندیشد ، و خوب توجه کند که بعد از رفتن از این جهان ، دیگر بازگشت ممکن نیست تا گذشته از دست رفته را جبران نماید . پس باید از حشر بزرگ در آن رستاخیز عظیم ترسید .

<sup>۱۹</sup> . آنان که در راه ما تلاش کنند ، ما بی‌گمان آن‌ها را به راه‌های خود رهنمون می‌شویم .

آن گاه باید خوب بیندیشد که این دنیا فانی است ، و بر دنیا و جاه و مقام ، و افتخارات آن اعتمادی نیست . و در اثنای این اندیشه به کلمات معصومین علیهم السلام مراجعه کند ، نه گفتار دیگران . زیرا گفتار معصومین به جهت سرچشمه گرفتن از مبدء وحی اثر خاصی دارد ، که هرگز در سخن دیگران چنین تأثیری نیست ، اگر چه به یک مضمون باشند . به علاوه که در گفتار دیگران چون غزالی ، ابوطالب مکی و امثال آنها <sup>۲۰</sup> ، حق و باطل مخلوط است ، و آنها سخنان باطل خود را در لباس حق و در میان سخنان حق ، عرضه می کنند تا به این روش مخاطبانشان را در دام های خود گرفتار کنند .

بدان که نیت - آن چنان که در میان مردم شهرت یافته - خطوردادن به دل ، و یا تلفظ به زبان ، با عبارتی عربی و یا عجمی نیست ، بلکه نیت عبارت از انگیزه عمل انسان است ، و آن معنایی است نهفته در دل ، و تنها کسانی بر آن آگاهی دارند که در عبادت خدا تلاش می کنند ، کسانی که به آگاهی الهی درباره عیوب نفس و درد و درمان آن ، رسیده اند . چنان که خداوند متعال می فرماید : **فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا** <sup>۲۱</sup> .

نیت تابع وضع روحی و طبیعت انسان است ، چنان که خداوند متعال فرموده است : **قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ** <sup>۲۲</sup> ، و این معنی برای کسانی که تدبّر کنند روشن است . مثلاً اگر کسی نیت ، روش ، اخلاق و طبیعتش ، حبّ دنیا و حرص به آن باشد ، انگیزه اصلی او از هر کار خیر و شری ، فقط رسیدن به دنیا است ، پس هرگاه نماز بخواند برای این است که می ترسد ترک نماز به دنیایش صدمه بزند ، و اگر شراب بخورد برای این - است که آن را برای دنیای خود سودمند می داند ، و همچنین در بقیه اعمالش .

<sup>۲۰</sup> . مانند مولف مثنوی (ملای رومی) و (ابن عربی) نویسنده فصوص و فتوحات .

<sup>۲۱</sup> . خداوند راه تبهکاری و پرهیزکاری را به او الهام نمود .

<sup>۲۲</sup> . بگو: هر کسی طبق نیت خویش عمل می کند .

اگر در نظر کسی تقرّب به سلاطین و محبّت به آنها چیره شود ، فقط کاری را انجام می‌دهد که او را به سلطان نزدیک کند ، شاهدش این‌که بسیاری از کارهای نیک را که مطابق با خواسته او نباشد ترک می‌کند .

### ارزش مردم و مراتب آنان

پس از توجّه به نکات گفته شده ، بدان‌که : برای مردم از نظر نیّت ، مراتب مختلف و درجات متفاوتی هست :

۱ . برخی از مردم هستند که شقاوت بر آنها چیره شده ، و در کارهای خود هیچ هدفی ، جز جاه و مقام و دیگر امور فاسده ، ندارند . این افراد اگر در دور کردن این حالت از خود سعی نکنند ، در شقاوت فرو رفته تا این‌که دین و عقاید مذهبی‌شان را ترک می‌کنند و دیگر امید خیری برای آنها نیست .

۲ . گروه دوّم درجه‌ای از گروه اول بالاترند ، در دل آنها محبّت دنیا و محبّت آخرت جمع شده ، خیال می‌کنند که محبّت آن دو قابل جمع است ، گاهی محبّت آخرت غلبه می‌کند و کارهایی را برای آخرت انجام می‌دهند ، و گاهی محبّت دنیا غلبه می‌کند و کارهایی را برای دنیا انجام می‌دهند . چنین شخصی اگر در این پایه و رتبه بماند ، طولی نمی‌کشد که به گروه اوّل می‌پیوندد .

۳ . گروه سوّم کسانی هستند که خوف عذاب خدا بر آنها غلبه کرده ، آنها متوجّه شدّت عذاب و دردناک بودن عقاب الهی شده‌اند ، از این رهگذر دنیا در نظرشان پست و بی‌ارزش شده است ، انجام تمام کارهای نیک و ترک همه کارهای زشت آنان ، از ترس عقاب است . چنین عبادتی از نظر ما صحیح است ، ولی عبادت کاملی نیست ، چنان‌چه از

امام صادق علیه السلام روایت شده که : آن ، عبادت بردگان است .

۴۳ . گروه چهارم آنان که اشتیاق فراوان دارند به آنچه که خداوند برای نیکوکاران در بهشت مهیا فرموده است ، پس خداوند را به امید رسیدن به امور بهشتی عبادت می کنند ، و در روایات آمده است که : این ، عبادت حقوق بگیران است ، ارزش این گروه ، نزدیک به گروه سوّم است .

۴۴ . گروه پنجم کسانی هستند که خداوند را شایسته پرستش یافته اند ، و این درجه صدیقین است ، چنان که از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود : ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ ، وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ ، وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ<sup>۲۳</sup> . و از امام صادق علیه السلام روایت شده : این عبادت آزادگان است . و البته ادعای چنین عبادتی از غیر معصومین علیهم السلام پذیرفته نمی شود ، زیرا این ادعا فقط از طرف کسی ممکن است که به خود مطمئن است که حتی اگر خدا بهشت و جهنمی نداشته باشد یا بلکه پناه به خدا ، گنهکار را به بهشت و بنده مطیع را در جهنم جای دهد ، او باز هم به اطاعت خود ادامه دهد ، چون خداوند شایسته عبادت است .

۴۵ . گروه ششم کسانی که خداوند را به شکرانه نعمت هایش عبادت می کنند ، می بینند که نعمت های پروردگار بیرون از شمار است ، پس عقلشان حکم می کند که چنین مُنعمی را باید در برابر نعمت هایش پرستش نمود .

۴۶ . گروه هفتم افرادی که خدا را از روی شرم و حیا عبادت می کنند ، عقلشان حکم می کند که : کارهای نیک ، زیبا ، و کارهای زشت ، ناشایست است ، و می دانند که خداوند در هر حالی اینها را می بیند و بر کارهایشان شاهد و ناظر است ، لذا از روی حیا او را

<sup>۲۳</sup> . من تو را از ترس آتش ، و یا به طمع بهشت عبادت نکردم ، بلکه تو را شایسته پرستش یافتم .

می‌پرستند ، و هیچ توجّهی به ثواب و عقاب ندارند . و به این معنی اشاره می‌کند آن حدیثی که در تفسیر معنای احسان آمده است : **أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ**<sup>۲۴</sup> .

۸ . گروه هشتم کسانی هستند که خدا را از روی محبّت می‌پرستند ، و این از والاترین مراحل تکاملی عبادت است ، و با یاد دائمی خدا از روی محبت و کثرت عبادت ، و یادآوری نعمت‌ها و الطاف خداوند به او ، حاصل می‌شود ، هنگامی که محبّت حاصل شد دیگر با محبوب خودش نافرمانی نمی‌کند ، چون مهر او را در دل دارد ، و به نفع و ضرر خود دقت نمی‌کند .

۹ . گروه نهم آنانند که خدا را برای تقرّب به او پرستش می‌کنند ، برای نزدیک شدن به پروردگار معنای دقیقی هست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم ، زیرا قرب مکانی و زمانی برای خداوند معنا ندارد ، پس منظور از نزدیک شدن یا به لحاظ رتبه و کمال است ، چون هر چه انسان در مراتب نقص فرو رود از درگاه حق تعالی دورتر می‌شود ، و هنگامی که نقص‌هایی را از خود برطرف نماید و به برخی از کمالات متّصف شود ، مقدار دوری او از پروردگار کاسته می‌شود و با برخی از اخلاق الهی متخلّق می‌گردد .

و ممکن است منظور از قرب ، مصاحبت معنوی و یاد مداوم خداوند باشد ، زیرا اگر **مُحِبٌّ** در شرق و محبوبش در غرب باشد ، او همواره به یاد محبوبش خواهد بود و همواره دامن خدمت به کمر خواهد بست و به امری که به او واگذار شده مشغول خواهد بود . این **مُحِبٌّ** به محبوب نزدیک‌تر از دشمنی است که در کنارش نشسته است .

این دو معنی که برای قرب بیان کردیم بی‌گمان به وسیله عبادت حاصل می‌شود ، و

<sup>۲۴</sup> . خدا را بپرست آن سان که گوئی او را می‌بینی ، که اگر تو او را نبینی او تو را می‌بیند .

می شود که هدف شخص عبادت کننده باشد .

برای قرب و نیت ، معانی و درجات دیگری نیز هست که با محاسبه مراتبی که ذکر کردیم بشمار می شود . در این جا فقط به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره کردیم تا مؤمن سالک راه حق ، به خطرات راه توجّه کند ، به خداوند متعال متوسّل شود تا خداوند او را از این خطرات نجات داده و در زمره بندگان شایسته و مخلص پروردگار قرار گیرد ، در حالتی که از شرّ شیاطین در امان باشد ، چنان که خداوند متعال می فرماید : **انّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ**<sup>۲۵</sup> .

### تشبیه شیطان به سگ

چه تشبیه خوبی کرده اند ، شیطان را به سگ هایی تشبیه کرده اند که در ورودی خانه ها می ایستند و هر که بخواهد به منزل اربابشان وارد شود مورد اذیت قرار می دهند ، این سگ ها را نمی توان از جلو راه برداشت مگر این که صاحب خانه بر آنها نهیب زند و یا بشناسند که شخص وارد شونده از آشنایان صاحب خانه است .

پس این چنین است این سگ لعین درگاه الهی ، ایستاده تا از ورود بیگانگان و تیره بختان ناشایست مانع شود ، هنگامی که حضرت پروردگار ، شیطان لعین را به سبب توسّل بنده اش دور سازد ، و یا او بشناسد که این شخص از مقربان درگاه و خواص مالک الملوک است ، و به این درگاه زیاد آمد و شد دارد و با صاحب خانه سر و سری دارد ، این سگ لعین متعرّض او نمی شود .

### استناد و بررسی روایات

هر زمان سالک این راه به خداوند توسّل بجوید و نیتش را خالص گرداند ، و در طلب

<sup>۲۵</sup> . بر کسانی که مرا بنده اند تو سیطره و نفوذ نداری .

آنچه می‌داند خیر آخرتش در آن است به قدر توانایی‌اش تلاش کند ، و به وسوسه‌های اهل زمان و جاهلان دوران گوش ندهد که او را در زمره حشویّه<sup>۲۶</sup> قرار داده ، یا او را قشری نامیده ، یا خشک مقدّسش خوانده ، و به جهل و نادانی نسبتش می‌دهند ، هرگاه در این مرتبه قرار گرفت ، حق به روشنی برای او آشکار شود .

پس از طیّ این مرحله ، باید استادی پیدا کرد که با سخنان و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مانوس و به آن معتقد باشد ، نه از کسانی که کلام معصوم را با رأی ضعیف خود تأویل می‌کنند ، بلکه معلّمی که عقایدش صحیح و برگرفته از اخبار است .

### علم و عمل

برای طلب رضای حق تعالی به دنبال کسب دانش برود . تدبّر در کلمات معصومین علیهم‌السلام کند و مقصودش از تحصیل ، عمل باشد ، که هیچ عملی بدون علم فائده ندارد ، چنان که امام صادق علیه‌السلام فرموده است : **الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ ، كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ ، لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا**<sup>۲۷</sup> علم بدون عمل نیز سودی نبخشد و به دست نیاید ، چنان که در حدیث آمده است : **مَنْ عَمِلَ بِمَا عِلْمٍ ، وَرَثَهُ اللهُ عِلْمَ مَا لَا يَعْلَمُ**<sup>۲۸</sup> .

علم را تشبیه کرده‌اند به چراغی که در دست رهگذری باشد که در شب تاریک راه می‌رود ، اگر از حرکت بایستد فقط به مقدار محدودی از اطراف خود را در نور آن می‌بیند ، و اگر حرکت کند با هر گامی که برمی‌دارد مقدار دیگری برای او روشن می‌شود

<sup>۲۶</sup> . می‌گویند حشویه آنان که روایت زیاد نقل می‌کنند و بدون ملاک هر روایتی را می‌پذیرند . معتزله ، شیعه ، مرجعه ، مجبره و خوارج را از حشویه معرفی کرده‌اند که البته این نسبت درباره شیعه تهمت است و علما و فقهای شیعه برای عمل به روایات شرایطی مطرح می‌کنند که در کتب مربوط به علم حدیث و اصول فقه مطرح است .

<sup>۲۷</sup> . کسی که بدون آگاهی عمل کند ، مانند کسی است که در بیراهه گام بردارد ، هر قدر شتاب کند بیشتر از مقصد دور می‌شود .

کافی ج ۱ باب من عمل بغير علم ص ۶۲ ح ۱

<sup>۲۸</sup> . هر کس عمل کند به آنچه می‌داند ، خداوند به او عطا فرماید آنرا که نمی‌داند . بحارالانوار ج ۴۰ ص ۱۲۸



، پس علم ، عمل را تقویت می نماید ، و عمل نیز موجب فزونی علم می باشد .

### علم ، عبادت ، طلب رزق

شایسته است که انسان ساعات روزش را به سه بخش تقسیم کند : قسمتی از آن را در کسب روزی حلال صرف کند ، قسمتی را در طلب دانش ، و قسمت دیگر مشغول انجام فرائض و سنن و نوافل باشد .

### علوم لازم

بسیار شایسته است که انسان قسمتی از علوم الهی را فراگیرد ، به سبب نیاز علم حدیث به آن ها ، مانند : علم صرف و نحو ، کمی از منطق ، اندکی از علم اصول ، و برخی از کتب فقهیه . سپس همه تلاش خود را در فرا گرفتن علم حدیث صرف کند ، کتب اربعه را مطالعه کند ، و دیگر کتاب های حدیث را از آثار شیخ صدوق و غیر ایشان مطالعه نماید .

### بحار الأنوار

از فضل خدا علاوه بر کتب اربعه در حدود ۲۰۰ جلد کتاب حدیثی نزد ما گرد آمده ، که همه آن ها را در کتاب بحار الأنوار گرد آورده و شرح دادم ، پس بر تو باد مطالعه ، تحقیق ، فرو رفتن در دریای معارف آن و استخراج مواد گران بهای آن ، که این کتاب ، دریایی بیکران است ، چنان که بحار الأنوار نام یافته است .

### اجزاء عبادت

بدان ای برادر من ، برای هر عبادتی روح و پیکری و ظاهر و باطنی است ، پیکر ظاهری آن حرکات مخصوصه آنست ، و باطن آن اسرار و رموز مقصود از آن ، و ثمرات مترتب بر آن است ، و روح آن حضور قلب و توجه خاطر و جستجوی هدف مقصود از آن است ، که ثمرات هیچ عبادتی بدون آن حاصل نمی شود .

مانند نماز که ستون دین است و خداوند آنرا افضل اعمال بدنی قرار داده ، و آثار بزرگی بر آن مترتب نموده ، و در این رابطه فرموده : **إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**<sup>۲۹</sup> و رسول خدا ﷺ فرموده : **الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ**<sup>۳۰</sup> . این آثار مترتب نمی شود ، مگر با حضور قلب که روح نماز است ، و هرگز پیکر بی روح منشأ اثر نمی باشد . و به همین دلیل است که نمازهای ما ، ما را از فحشا و منکر باز نمی دارد ، و از این مراحل پست به درجات بالا نمی برد .

### نماز

آری نماز یک معجون الهی با یک ترکیب آسمانی است ، که اگر شرائط لازم در آن رعایت شود ، برای همه امراض نفسانی و دردهای روحی مفید خواهد بود ، پس لازم است که انسان در هر فرازی از فرازهای نماز ، هدف مقصود از آن فراز ، و راز نهفته در آنرا مورد توجه قرار دهد .

دعاهایی که پیش از شروع در نماز وارد شده ، مایه انس و آرامش نفوسی است که در اثر اشتغال به امور مادی ، که لازمه زندگی مادی است ، از مسائل معنوی دور شده اند ، تا با خواندن آن دعاها با حق تعالی مأنوس شوند .

از دیگر شرائط پذیرش اعمال ، پرهیزکاری و دوری از گناهان است ، زیرا گناه انسان را از ساحت قرب پروردگار دور می کند . خداوند متعال می فرماید : **إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**<sup>۳۱</sup> .

انسانی که با ارتکاب گناه از درگاه پروردگار فاصله گرفته ، قبل از شروع در نماز به

<sup>۲۹</sup> . بی گمان نماز از فحشاء و منکر باز می دارد .

<sup>۳۰</sup> . نماز معراج مؤمن است .

<sup>۳۱</sup> . خداوند عمل را تنها از پارسایان می پذیرد .

درگاه خداوند تضرع می‌کند ، تا او را مورد عفو و آمرزش قرار دهد و از تقصیراتش بگذرد ، تا شایستگی پرستش و راز و نیاز با پروردگار بی‌نیاز را پیدا کند .

تکبیرها بهترین وسیله تنزیه حق تعالی از شبیه و انباز و نقص است . تکبیر تنزیه خداوند است از این‌که با عقل و درک و فهم بشری درک گردد . تکبیر یادآوری عقاید حقه است تا در اعماق روح و جان ، جای بگیرد .

در دعای توجّه<sup>۳۲</sup> اخلاص در نیت را به خود تلقین ، و در برابر عظمت حق تعالی کرنش می‌کند ، با تمام وجودش متوجّه خداوند شده و از غیر او روی می‌تابد .

قرائت گفتگو و راز دل گفتن با محبوب واقعی است ، نخست قبل از بیان حاجت آنچه موجب ستودن محبوب است را ذکر کرده و صفات کمالیه او را به زبان می‌آورد ، آداب گفتگو و مناجات با خداوند را رعایت کرده ، آنگاه اظهار بندگی می‌کند ، و خود را از هر قدرت و نیروئی عاری و خالی می‌شمارد ، سپس در هر کاری ، بخصوص در عبادت از خداوند یاری می‌طلبد ، آنگاه می‌خواهد که او را به صراط مستقیم هدایت فرماید . صراط مستقیم راه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در همه ابعاد عقیدتی ، عملی ، اخلاقی ، و راه‌های منتهی به پروردگار است . و این سخن همه حقایق والا را دربردارد .

سپس از راه دشمنانشان به خدا پناه می‌برد ، و در این تعبیر همه عقاید باطله ، اخلاق نکوهیده ، راههای گمراه کننده ، و همه اعمال زشت و ناروا ، جای می‌گیرد ، که همه این‌ها راه دشمنان اهل بیت علیهم السلام است .

سجده و رکوع ، اوج خضوع و خشوع انسان در برابر عظمت پروردگار است ، تا بدین وسیله هرگونه کبر و نخوت و خود بزرگ بینی و فخر فروشی درمان شود ، زیرا

<sup>۳۲</sup> . وجهت وجهی للذی فطر السموات و الأرض ، عالم الغیب و الشهادة . . . عروة الوثقی ج ۱ فی تکبیرة الإحرام م ۱۲ ص ۴۸۲

شریف‌ترین اعضای بدن در برابر خداوند بر خاک نهاده می‌شود . در هر یک از افعال و اجزاء نماز حکمت‌های بزرگ و مصلحت‌های عظیمی وجود دارد ، که کتاب‌های بزرگ برای شرح آن‌ها کفایت نمی‌کند . در اخبار و احادیث برای هر یک از افعال نماز اسرار عجیب و شگرفی بیان شده ، که ما در این جا فقط به برخی از آن‌ها به عنوان نمونه اشاره کردیم ، و گرنه این رساله و هزاران رساله مثل این ، جهت شرح یکی از آن‌ها کافی نیست . شایسته است که انسان به احادیث وارده در پیرامون اسرار و حکمت‌های نماز و دیگر عبادت‌ها مراجعه کند ، تا هر عبادتی را طبق شرایط انجام دهد ، به این جهت که هر عملی وسیله تقرّب به پروردگار ، و موجب تکامل روحی ، و راهنمای او به سوی سعادت و نجاتش باشد .

### دعا و مناجات

بدان که نزدیک‌ترین راه به سوی خداوند متعال ، دعا و مناجات است ، چنان که از آیات و احادیث فراوان استفاده می‌شود ، لکن برای دعا و مناجات شرایطی هست ، که از آن جمله است : حضور قلب ، توسّل کامل ، قطع امید از غیر خدا ، اعتماد کامل بر خدا ، توجّه به سوی خداوند در هر کاری ، از خرد و کلان ، زیاد یا کم . دعاهای مأثور بر دو قسم است : یک قسم از آن‌ها دعاهای وارد برای هر شب و روز است ، و آن‌ها اوراد و اذکاری است مشتمل بر تجدید مسائل اعتقادی و تقاضای حوائج و روزی ، و درخواست دفع دشمنان و امثال آن . شایسته است انسان تلاش کند که به هنگام دعا خوانی حضور قلب و توجّه و تضرّع کامل داشته باشد ، ولی نباید به جهت فراهم نشدن حضور قلب دعا را ترک کند .

قسم دوم مناجات است ، و آن دعاهای مشتمل بر اقسام موضوعات ، از توبه ، استغاثه ،

اظهار محبت، اظهار تواضع و فروتنی می‌باشد. من تصوّر می‌کنم که این قسم از دعاها، نباید بدون گریه و زاری و خشوع کامل خوانده شود، بلکه شایسته است انسان منتظر اوقات مناسب باشد، و آن‌گونه که گفته شده انجام دهد، تا مناجات او شبیه مسخره و استهزاء نباشد.

هر دو قسم از اقسام دعاها، به برکت اهل بیت علیهم‌السلام در نزد ما آن قدر فراوان است که هرگز فرصت ما برای خواندن یک دهم آن وافی نیست.

دعاهای قسم اوّل: در کتاب‌های مصباح‌المتهجّد شیخ طوسی، مصباح کفعمی، اقبال و تتمّات<sup>۳۳</sup> سیّد ابن طاووس، در ضمن تعقیبات، و دعاهای هفتگی و اعمال ماه‌های سال ذکر شده است.

دعاهای قسم دوّم نیز در کتاب‌های یاد شده و غیر آن‌ها، در ضمن دعاهائی چون مناجات خمسة عشر، مناجات معروف به انجیلیّه، دعای کمیل و غیر آن‌ها، منعکس است. صحیفه کامله سجادیّه، اکثر، بلکه همه‌اش از قسم دوّم است.

برخی از این دعاها با حالات خوف سازگار است، برخی با حالات امید، برخی با حالات بلا، و برخی دیگر با حالات فراخی و آسایش و غیر آن، از حالات مختلفی که برای انسان پیش می‌آید.

مناسب است انسان در هر حالی دعای متناسب با وضع خودش را بخواند، و دقیقاً در معانی آن تأمل کند و در خضوع و خشوع و گریه و تضرّع تلاش نماید.

تو اگر این راه را بپیمائی، مطمئن می‌شوی که این راه نزدیک‌ترین راه به سوی پروردگار است، و همه اهداف دینی و دنیوی در پرتو آن به دست می‌آید.

<sup>۳۳</sup>. تتمات، همان کتاب فلاح السائل است که به تتمات نامیده شده چون تتمه کتاب مصباح شیخ طوسی رحمه الله است.

## سعادت و شقاوت نفس

بدان که بالاترین سعادت‌ها، اخلاق پاکیزه و نیکوست، چون: خلوص در دوستی، بخشش، سخاوت، اخلاص، وقار، بردباری، و غیر آن‌ها از اخلاق پسندیده‌ای که شرع و عقل آن‌ها را مستحسن شمرده است.

و بدترین موجبات هلاکت نفس، اخلاق پست و ناشایست می‌باشد مانند: بخل، ترسوئی، تکبر، خودپسندی، خودنمائی، خشم، حسد، کینه توزی، و دیگر صفات ناپسندی که عقل و شرع آن‌ها را قبیح شمرده است.

پس لازم است انسان تلاش فراوان کند که صفات نکوهیده را از خود بزدايد، و خود را با صفات برجسته و نیکو بیاراید.

صوفیه خیال کرده‌اند که زدودن صفات ناپسند و آراستگی به صفات پسندیده حاصل نمی‌شود مگر با ترک کردن آنچه انسان با آن خو گرفته، و گوشه‌گیری از مردم، و انجام رفتارهای پرمشقت، زیاده روی در گرسنگی، شب بیداری همیشگی، و دیگر شیوه‌ها و عادات متداول در میان آن‌ها.

من گروهی از صوفیه را می‌شناسم که همه این مشقت‌ها را تحمل کرده‌اند، ولی بر اخلاق زشتشان افزوده شده، و از اخلاق نیکشان کاسته شده است. زیرا در اثر این رنج‌ها و مشقت‌ها، سوداء بر آن‌ها غلبه کرده، اخلاقتشان تند شده، دیگر کسی جرأت نمی‌کند با آن‌ها هم صحبت شود، بیماری خودپسندی و خود بزرگ بینی آن‌قدر در اعماق دلشان ریشه دوانیده، که خود را از پیامبران برتر می‌پندارند! و همه مردم را دشمن می‌دارند و از آن‌ها وحشت می‌کنند، و همچنین دیگر صفات ناپسندشان، که برای مردم ظاهر نمی‌شود، چون با مردم معاشرت ندارند.

## درمان اخلاق ناپسند

به گمان من ، راه درمان این بیماری‌ها این است که انسان نخست در رفع این عیوب به خداوند متوسّل شود ، سپس دقت کند در عواقب وخیم این امراض و عیب‌هایی که در خود سراغ دارد ، و به پست بودن اصل و منشأ خود و عاقبتش و ناقص بودن اعمال و نیاتش ، فکر کند . و ضدّ آن را آنقدر تمرین کند که عادت دومی شود ، و در این میان اخبار و احادیث وارده در نکوهش رذیله و ستایش صفت مقابل آن را مورد مطالعه قرار دهد . بخش ایمان و کفر کتاب کافی ، از این روایات ، فراوان دارد .

مثلاً کسی که به مرض بخل مبتلاست ، اوّل به خداوند پناه ببرد ، سپس ارزیابی کند که مال و منال پس از مرگ سودی به او ندارد ، ولی این بخشش است که پس از مرگ او را سود می‌بخشد ، و خداوند آنرا جبران می‌کند و خداوند خلاف وعده عمل نمی‌کند ، آن‌گاه آیات و اخبار وارده در نکوهش بخل را مورد مطالعه قرار دهد . سپس خودش را به بخشش وادار کند . بار اوّل برایش دشوار خواهد بود ، و بار دوّم آسان‌تر می‌شود ، در اثر تکرار برای او عادت دوم شده و دیگر نمی‌تواند بخشش را ترک کند .

و کسی که در مجالس به صدرنشینی علاقمند است ، پس از این که از راه‌های یاد شده خود را معالجه کرد ، باید در مجالس ، همواره پائین‌تر از محلّ مناسب خود بنشیند ، تا این حالت برای او به صورت یک عادت دیگر درآید . همچنین است معالجه امراض اخلاقی دیگر .

## پرهیز از بدعت در عبادت

از بهترین دعاهائی که برای توسّل به خداوند شایسته است ، دعای مکارم اخلاق و دعای استعاذه از اخلاق ناپسند ، در صحیفه سجّادیه ، می‌باشد . التزام به عبادت شرعی ، با

رعایت شرایط لازمه آن ، برای ریشه‌کنی اخلاق ناشایست ، کافی است ، و هیچ نیازی به انجام بدعت‌ها و عبادات اختراعی نیست ، زیرا برطرف کردن فاسد به فاسدتر می‌باشد .

### روزه و نمازهای مستحبی روزانه

بدان ای برادر ، نمازهای مستحبی شبانه روز و نماز شب ، کامل کننده نمازهای واجب است ، و از سنت‌های مؤکد رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که پیامبر اکرم تا زنده بود هرگز ترک نکرد ، تو نیز ترک نکن ، و چنانچه ترک شد ، هر وقت توانستی قضای آن را به جای آور .

اولین پنجشنبه و آخرین پنجشنبه هر ماه ، و اولین چهارشنبه دهه دوم هر ماه را روزه بگیر ، که از سنت‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد .

در نماز شب دعا ، تضرع و گریه فراوان کن ، که این لحظه در شب مناسب‌ترین لحظات قرب خداوند است ، درهای رحمت ، دعا و مناجات باز است ، دل در این وقت آسوده و فارغ است ، عمل در این وقت به خلوص نزدیک‌تر است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید : **إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً<sup>۳۴</sup>** . در نماز شب مفصل برای مؤمنین دعا کن ، که حاجت زودتر برآورده می‌شود ، و دو یا چند برابر آنچه برای آنها خواستی در حق خودت مستجاب می‌گردد .

### ذکر و تعقیب

در تعقیبات نماز صبح دعاهای مأثور و اذکار منقول را بخوان و بر آنها مواظبت کن ، که روزی‌ها در آن ساعت تقسیم می‌شود ، و پس از آن در هر حال ، در حال راه رفتن ، نشستن و برخاستن به ذکر **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ** ،

<sup>۳۴</sup> . برخاستن شبانه از نظر پایداری محکم‌تر ، و از جهت گفتار استوارتر است .



مداومت کن ، که این اذکار ، پایه‌های عرش عبادت و معرفت است .  
 آن‌گاه صلوات بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بفرست که برترین اعمال است .  
 به مقدار فراوان به اذکار چهارگانه‌ای که در قرآن و اخبار آمده است ، مواظبت کن ، که  
 آن‌ها عباتند از :

۱ . ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللهِ ، برای جلب روزی و آسان شدن امور .  
 ۲ . حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، برای دفع ترس از دشمنان و برطرف شدن گرفتاری‌ها .  
 ۳ . لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، برای دفع غم و غصه‌های دنیا و  
 آخرت .

۴ . اَفْوِضْ اَمْرِي اِلَى اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ، برای دفع حيله دشمنان .  
 کمترین مقداری که لازم است بر آن مواظبت کنی :

هر روز ۱۰۰ بار صلوات بر محمد و آل محمد .  
 در روز جمعه و شب جمعه ۱۰۰۰ بار صلوات بر محمد و آل محمد .  
 هر روز ۳۶۰ مرتبه ( به تعداد رگهای بدن ) بگو : اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيْرًا عَلٰى كُلِّ  
 حَالٍ ،

و اگر هر صبح و هر شام به این تعداد بگوئی بهتر است .  
 هر روز هفتاد مرتبه بگو : اَسْتَغْفِرُ اللهَ .  
 و هر روز هفتاد مرتبه : اَتُوْبُ اِلَى اللهِ .  
 استغفار زیادکن که کفاره گناهان است ، روزی را زیاد می‌کند و موجب کثرت اولاد  
 می‌شود .

هر روز صدبار سبحان الله ، صد بار الحمد لله ، صد بار لا اله الا الله ، و صد بار الله اکبر بگو .

مجموعه تسبیحات اربعه را نیز بعد از هر نماز ۱۰۰ بار بگو .

هر روز صد مرتبه بگو : لا اله الا الله الملك الحق المبين و اگر صد مرتبه نتوانستی ، ۳۰ بار بگو .

هر روز صد مرتبه بگو : لا حول ولا قوة الا بالله .

هر روز ۱۰ مرتبه بگو : أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له ، الها واحداً واحداً صمداً لم يتخذ صاحبةً ولا وداً .

پیش از طلوع آفتاب ، و پیش از غروب آن ده مرتبه بگو : لا الا الله وحده لا شريك له ، له الملك وله الحمد ، يحيى ويميت ، [ ويميت ويحيى ] وهو حي لا يموت ، بيده الخير ، وهو على كل شيء قدير .

و نیز پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن ده مرتبه بگو : أعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين ، و أعوذ بالله أن يحضرون ، ان الله هو السميع العليم .

در اخبار در مورد این دو ذکر گفته شده که سنت واجب است ، و اگر در وقت خودش آنرا فراموش کردی بعداً قضا کن .

هر روز بعد از نماز صبح و بعد از نماز مغرب ۱۰۰ مرتبه بگو : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و اگر نتوانستی ۷ مرتبه بگو ، که امان است از ۷۰ نوع بلا .

سوره های قل هو الله احد ، و انا أنزلناه فى ليلة القدر را بسیار بخوان ، و اگر بتوانی سوره انا أنزلناه را هر روز ۱۰۰ مرتبه بخوان .

آیات شریفه : آية الكرسي ، شهد الله ، و قل اللهم ، سوره حمد و قل هو الله را بعد از هر نماز بخوان .

تمام مطالبی که برایت گفتم در روایات صحیحه آمده است .

و اگر به اهل بیت پیامبر علیهم السلام ایمان داری ، تردیدی به خود راه مده در این که این اذکار ، هرگز با اوراد فتحیه<sup>۳۵</sup> که گروهی از افراد نادان و بدعت گزار ، از مخالفین اهل بیت علیهم السلام ، و از تارکین راه آنان گرد آورده‌اند ، قابل مقایسه نمی باشد .

### نماز جعفر و اعمال شبانه روز

حداقل هفته‌ای یک بار ، و نیز در هنگام سختی‌ها ، بر نماز جعفر طیار مواظبت کن ، که برای قضای حوائج بسیار مجرب است .

کتاب‌هایی که درباره دعا نوشته شده ، و اعمال مخصوص شبانه روز را تهیه کن و بر خواندن آن‌ها مواظبت نما ، که برای هر یک از آن‌ها تأثیر خاصی در تقرب به پروردگار متعال هست .

### بدعت و اعمال اختراعی

از اعمالی که در کتب معتبر روایات شیعه ندیده‌ای ، پرهیز کن ، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : قَلِيلٌ فِي سُنَّةِ خَيْرٍ مِنْ كَثِيرٍ فِي بَدْعَةٍ<sup>۳۶</sup> .

### خوردن ، خوابیدن ، پرهیز از شبهه

بر خواب و خوراک کم خودت را عادت بده ، ولی نه از طریق ترک خوراکی‌های حیوانی ، و یا ترک چیزی از نعمت‌های پروردگار ، که بدنت ضعیف شود و قدرت عبادت را از دست بدهی ، زیرا بدن مرکب توست ، و تو برای عبادت و اطاعت ، بسیار به آن نیاز داری .

<sup>۳۵</sup> . ظاهراً نام کتابی است که در ورد و ذکر اختراع شده است و مطابق فرمایشات معصومین علیهم السلام نیست .

<sup>۳۶</sup> . عمل اندک مطابق با سنت ، از عمل زیادی که بدعت باشد بهتر است .

تلاش کن که خوراک و پوشاکت حلال باشد و هر دو را از مال شبهه‌ناک دور نما . بلکه سعی کن که همه آنچه در زندگی خود ، و یا در راه خیر صرف می‌کنی حلال باشد .

### دوست و همنشین

با افراد فاسق و ستم پیشه کمتر مصاحبت کن ، که مصاحبت آن‌ها اثر بزرگی در قساوت قلب ، و دوری تو از خداوند متعال دارد . مگر این که احساس کنی که هدفت از مصاحبت ، هدایت آن‌ها ، و یا دفع ستم از مظلوم ، و یا به سبب تقیّه می‌باشد . همنشین و همراه کسی باش که یار و یاور تو برای آخرت باشد ، و به دور باش از این که با هر که دیدی مصاحبت کنی ، که مصاحبت بیشتر اهل این زمان به دین و دنیای تو صدمه می‌زند .

حواریون از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند که با چه کسی مصاحبت کنیم فرمود :

مَنْ يُذَكِّرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتَهُ ، وَيَزِيدْكُمْ فِي الْعِلْمِ مَنْطِقَهُ ، وَيُرْغِبْكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ<sup>۳۷</sup> .

### سخن بی فایده و فتوای بدون علم

سزاوار است از گفتار بی فایده پرهیز کنی ، و بدون آگاهی در مورد حلال و حرام سخن نگو ، که فتوا دهنده در پرتگاه آتش است . خداوند متعال فرموده : إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ<sup>۳۸</sup> . و فرموده است : وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجوهَهُمْ مُسْوَدَّةٌ<sup>۳۹</sup> .

شایسته است که مصاحبت علمای ربّانی را غنیمت بشماری ، و معارف دینی خود را از

<sup>۳۷</sup> . با کسی مصاحبت کنید که دیدنش شما را به یاد خدا بیندازد ، سخن گفتنش بر دانش شما بیفزاید و عملش شما را به آخرت نزدیک سازد .

<sup>۳۸</sup> . آنان که به دروغ به خداوند افترا می‌بندند هرگز رستگار نشوند .

<sup>۳۹</sup> . روز قیامت می‌بینی آنان که به خدا دروغ بستند صورتشان سیاه است .

آنها فرا گیری .

با اهل زهد و تقوی ، و افراد پایبند به شرع مقدّس زیاد ملاقات کن ، تا رفتار و کردار و گفتارشان برای تو موعظه باشد .

هرگز در مورد اشخاص با ایمان سوء ظن نداشته باش ، و آنچه از رفتار و کردارشان می بینی بر محمل صحیح حمل کن . به هنگام بروز گرفتاری ها به یاد خدا باش و صبر و شکیبائی پیشه کن ، و هنگام نعمت ، خدا را سپاس گوی ، و زمان طاعت ، اطاعتش کن و هنگامه معصیت ، گناه را ترک نما .

اخبار و احادیث وارده در مورد صفات مؤمنین و متّقین را مطالعه کن ، به خصوص خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام را که به همّام فرموده است . و پدر علامه ام - قدّس الله روحه - شرح جامعی بر خطبه همّام نوشته است ، از مطالعه آن غفلت نکن .

و بدان ای برادر ، آنچه در این رساله برای تو بیان کردم ، همه اش را از معدن وحی و گفتار معصومین علیهم السلام گرفته ام ، و از خود چیزی نگفتم .

### مجلسی اول و تصوف

هرگز خیال نکنی که پدر علامه ام نور الله ضریحه از صوفیّه بوده و به راه و روش آنها معتقد است ! مبادا که درباره او چنین گمان کنی ! این چگونه ممکن است ، در حالی که او مأنوس ترین اهل زمانش به اخبار اهل بیت علیهم السلام ، و علم و عملش به این اخبار ، بیش از آنان بود .

راه و روشش را زهد و پرهیزکاری قرار داد ، و در ابتدا برای ارشاد و هدایت صوفیان ، خود را همرنگ آنان نشان داد ، تا از او فرار نکنند و جذب او شوند ، بلکه بتواند آنها را از سخنان فاسد ، و اعمال اختراعی و غیرمشروع باز دارد . و بسیاری از آنها را با

این شیوه حسنه به طرف حقیقت هدایت کرد . وقتی که در اواخر عمر مشاهده کرد که این مصلحت اندیشی دیگر مؤثر نیست ، و آنان پرچم ضلالت و طغیان را بر دوش گرفته و شیطان بر آنها چیره شده است ، و دانست که آنها آشکارا با خداوند دشمنی می کنند ، از آنها بیزارى جست ، و مدام عقاید باطل آنها را تکفیر می کرد . من بر روش او بهتر از هر کسی مطلع هستم ، و نوشته های او در این زمینه نزد من است .

این جا پایان گفتار ما در این رساله است ، از فضل پروردگار منان خواهانم که آنچه گفتم برایت سودمند باشد ، و از تو می خواهم که در اوقات استجابت دعا ، مرا فراموش نکنی . خداوند من و شما را به آنچه رضایت او در آن است موفق بدارد ، ما و شما را از کسانی قرار دهد که موعظه شنیده ، از آن بهر مند شویم . سلام بر پیامبر هدایت صلی الله علیه و آله و خاندان عظیم الشان او .

### منابع

- اعتقادات دین اسلام عربی به قلم علامه مجلسی ، ترجمه و شرح فارسی بقلم سید باقر نجفی یزدی ، چاپ دوم شهریور ۱۳۶۲ ش ۱۳۹۵ ق چاپخانه سعید .
- شرح رساله اعتقادات علامه مجلسی ، تألیف سید قاسم علی احمدی چاپ دوم پاییز ۱۳۹۲ چاپ نگارش انتشارات دلیل ما .
- کلیات علوم اسلامی ، استاد مرتضی مطهری ، چاپ ۲۹ مرداد ۱۳۸۴ رجب ۱۴۲۶ چاپ فجر انتشارات صدرا .
- مجموعه ای از اعتقادات ضروریات دین مبین اسلام و مذهب حقه امامیه ، علامه مجلسی ، ترجمه علی اکبر مهدی پور چاپ اول رمضان ۱۴۱۵ ق چاپخانه نشاط ، انتشارات حسینیه عمادزاده ، اصفهان .

## فهرست

۲۱	رجعت	۱	مقدمه
۲۲	محشر و معاد جسمانی	۱	دلیل تألیف
۲۲	حساب و نامه اعمال	۲	محمد و آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۲۲	شفاعت، وعد و وعید، خلود	۴	تبعیت از رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۳	حبط و تکفیر	۵	فلسفه و فلاسفه
۲۳	صراط، میزان، احوال قیامت	۶	تصوف و عرفان
۲۳	بخش دوم: رهنمودهای عملی	۷	بخش اول: اصول عقاید
۲۴	نیّت و تفکّر	۸	عقاید در آیات و اخبار
۲۵	ارزش مردم و مراتب آنان	۸	علم حق تعالی
۲۸	تشبیه شیطان به سگ	۹	تفکر در ذات و صفات
۲۹	استاد و بررسی روایات	۹	افعال و دستورات الهی
۲۹	علم و عمل	۹	جبر و اختیار
۳۰	علم، عبادت، طلب رزق	۱۰	قضا و قدر
۳۰	علوم لازم	۱۰	پیامبران الهی
۳۰	بحار الانوار	۱۱	قرآن کریم
۳۱	اجزاء عبادت	۱۱	کعبه و کتب حدیث
۳۱	نماز	۱۱	فرشتگان الهی
۳۳	دعا و مناجات	۱۱	بت پرستی و اعتقادات باطل
۳۳	سعادت و شقاوت نفس	۱۲	رؤیت، تعمق در کنه، تعطیل
۳۵	درمان اخلاق ناپسند	۱۴	حدوث عالم
۳۶	پرهیز از بدعت در عبادت	۱۴	انکار ضروری دین
۳۷	روزه و نمازهای مستحبی روزانه	۱۵	انکار ضروری مذهب
۳۷	ذکر و تعقیب	۱۶	عصمت پیامبران و امامان و فرشتگان <small>علیهم السلام</small>
۳۹	نماز جعفر و اعمال شبانه روز	۱۶	عقاید پیرامون امامت
۴۰	بدعت و اعمال اختراعی	۱۷	معراج جسمانی
۴۰	خوردن، خوابیدن، پرهیز از شبهه	۱۷	محتضر و أنوار مقدّسه <small>علیهم السلام</small>
۴۰	دوست و همنشین	۱۸	روح بعد از مرگ
۴۱	سخن بی فایده و فتوا بدون علم	۱۹	عقاید پیرامون فرشتگان
۴۱	مجلسی اول و تصوف	۱۹	فشار قبر و عالم برزخ
۴۲	منابع	۲۰	بهشت و جهنم

## مجموعه کتاب‌های پیام دین

عنوان : اعتقادات علامه مجلسی ( ترجمه )

تألیف : علامه مجلسی رضوان الله تعالى علیه

تحقیق : محمد قاضی بیرجندی

ناشر : مناجات

سال نشر : زمستان ۱۳۹۵

شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۶۸۲ - ۱۶ - ۵

چاپ : چاپ دیجیتال حقانی

انتشارات مناجات - مشهد - میدان راه آهن - نبش چهارراه زرینه  
تلفن های تماس : ۰۵۱۳۲۲۲۰۷۱۹ - ۰۹۳۵۵۲۵۳۷۶۶  
Email: haghani.print@gmail.com



انتشارات مناجات